خبر

دامنه نوسان متهم ردیف اول ریزش بورس

صدای بورس | نوید رجایی، کارشناس بازار سرمایه، به تحلیل شرایط کنونی بورس تهران پرداخت و ضمن تشریح دلایل ریزش‌های اخیر، چالش‌های ساختاری بازار را عامل اصلی تداوم فشار فروش دانست. رجایی با اشاره به فضای ملتهب کنونی بازار سهام اظهار داشت: بازار سهام بدون تردید یکی از دشوارترین و اسفبارترین مقاطع خود را پشت سر می‌گذارد. گستردگی نمادهای منفی و فشار فروش سنگین، تصویری از یک بازار عمیقاً مضطرب را نشان می‌دهد. وی افزود: اگر صرفاً از منظر مدیریت ریسک نگاه کنیم، قرمز بودن بازار در شرایط تنش ژئوپلیتیک و افزایش نااطمینانی سیستماتیک تا حدی می‌تواند عقلانی تلقی شود، زیرا در چنین فضایی پرمیوم ریسک افزایش یافته و نرخ تنزیل ذهنی سرمایه‌گذاران بالا می‌رود. این موضوع در نهایت ارزش فعلی جریان‌های نقدی آتی را کاهش داده و فشار بر قیمت‌ها را تشدید می‌کند. این کارشناس بازار سرمایه در ادامه به تضاد میان عملکرد ضعیف بازار و وضعیت بنیادی شرکت‌ها اشاره کرد و گفت: اگر به صورت‌های مالی و حاشیه سود بسیاری از شرکت‌های صادرات‌محور نگاه کنیم، تصویر بنیادی تا این اندازه تیره نیست. بخش قابل توجهی از این شرکت‌ها از مزیت درآمد ارزی، حاشیه سود عملیاتی مناسب و بعضاً تراز نامه‌های قابل اتکا برخوردارند. وی افزود: در برخی صنایع، نسبت‌های ارزش‌گذاری نظیر P/E و EV/EBITDA در سطوحی قرار گرفته که از منظر تحلیلی می‌تواند بیانگر undervaluation (کم‌ارزش‌گذاری شده) باشد. به بیان رجایی، فاصله میان قیمت تابلو و ارزش ذاتی در برخی نمادها در حال افزایش است. رجایی مشکل اصلی بازار را فراتر از مبانی بنیادی دانست و بر معضلات ساختاری تاکید کرد و گفت: مشکل اصلی در چنین شرایطی، بیش از آنکه صرفاً بنیادی باشد، به ساختار بازمی‌گردد. معضل نقدشوندگی و نبود سازوکار کارآمد برای کشف سریع قیمت، به‌ویژه در چارچوب دامنه نوسان محدود، فشار فروش را تشدید می‌کند. وی توضیح داد: دامنه نوسان به‌جای کنترل ریسک، عملاً فرآیند را مختل کرده و موجب شکل‌گیری صف‌های ممتد فروش می‌شود. این ساختار سرمایه‌گذاران را با ریسک گیر افتادن مواجه کرده و رفتارهای هیجانی را افزایش می‌دهد. رجایی با انتقاد از عدم بازنگری در این محدودیت ساختاری در ماه‌های اخیر، آن را عاملی برای افزایش ناکارایی بازار دانست. کارشناس بازار سرمایه در بخش دیگری از سخنان خود به ماهیت جریان پول در بازار اشاره کرد و افزود: هرگونه تقاضایی که شکل می‌گیرد، عمدتاً ماهیتی تورمی دارد نه تحلیلی. یعنی بخشی از جریان پول صرفاً برای حفظ قدرت خرید وارد بازار می‌شود، نه بر اساس چشم‌انداز سودآوری شرکت‌ها. این پدیده نشان‌دهنده سطح بالای ناکارایی و غلبه عوامل بیرونی بر تحلیل‌های بنیادی است. رجایی در پایان با اشاره به تداوم نااطمینانی‌های سیاسی و نظامی در منطقه، احتمال ادامه فشار فروش در کوتاه‌مدت را محتمل دانست و از منظر تکنیکال و رفتاری به تحلیل سطوح حمایتی پرداخت و گفت: محدوده ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار تا ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار واحد می‌تواند به عنوان یک ناحیه حمایتی بالقوه و نقطه بازگشت شاخص کل مطرح شود، مشروط بر آنکه همزمان با رسیدن به آن سطوح، نشانه‌هایی از کاهش ریسک سیستماتیک و بهبود نقدشوندگی نیز مشاهده شود.

«تعادل» عوامل تاثیرگذار روی بازار سهام را بررسی می‌کند

چرا بورس توان رشد ندارد؟

بازار سهام ماه‌هاست در وضعیت اصلاحی فرسایشی گرفتار شده؛ شاخص‌ها نوسان منفی دارند، ارزش معاملات در سطوح پایین تثبیت شده و سرمایه‌گذاران خرد ترجیح می‌دهند به‌جای پذیرش ریسک سهام، نقدینگی خود را روانه بازارهای کم‌ریسک‌تری چون اوراق بدهی و صندوق‌های درآمد ثابت کنند. البته این روزها به واسطه افزایش ریسک‌های سیاسی بازار ریزش‌های بیشتری را متحمل می‌شود اما به‌طور کل وضعیت بازار وخیم است و در چنین شرایطی سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند که از بازار خارج شوند. درست است که ریسک‌های ژئوپلیتیک بیشترین تاثیر را روی بازار دارند، اما در این بین یک عامل دیگر نیز روی بازار تاثیر دارد و باعث شده که رونق با سرعت کمتری به بازار بازگردد آن هم مساله نرخ بهره بالاست. سیاستی که با هدف کنترل تورم ایجاد شده اما اکنون بسیاری از تحلیلگران آن را عامل رکود بازار می‌دانند. در سال‌های گذشته، سیاست‌گذار پولی در واکنش به تورم مزمن و انتظارات تورمی فزاینده به سیاست‌های انقباضی روی آورده که همین موضوع باعث افزایش فشار به بازارهای همانند بورس شده است. افزایش نرخ سود بین‌بانکی، جذاب‌سازی اوراق بدهی دولتی و محدود کردن رشد تراز نامه بانک‌ها، مهم‌ترین ابزارهای این رویکرد بوده‌اند. از منظر تئوریک، این سیاست‌ها باید منجر به کاهش تقاضای کل و مهار تورم شوند؛ اما در اقتصادی مانند همانند کشور که با ساختارهای ناکارآمد، کسری بودجه مزمن و شوک‌های بیرونی مواجه است، اثرگذاری این ابزارها با چالش‌های جدی همراه شده است. منتقدان این طرح می‌گویند که سیاست پولی انقباضی بدون اصلاحات ساختاری در بودجه و نظام باعث انتقال فشار از بازار پول به بازار سرمایه شده و تاثیری روی تورم نداشته است.

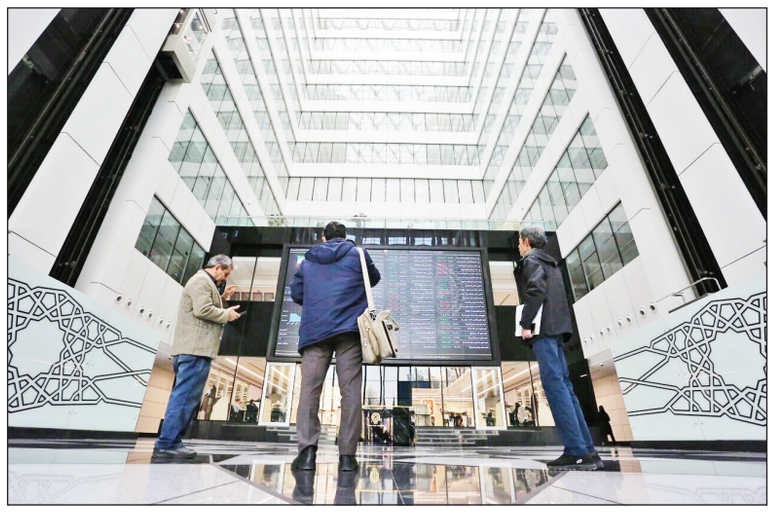

نرخ بهره رقیب مستقیم بورس

در شرایط فعلی، بازار سرمایه در رقابتی نابرابر با بازار بدهی قرار گرفته است. اوراق دولتی با نرخ‌های سود بالا، در حال حاضر یک گزینه بدون ریسک و جذاب برای سرمایه‌گذاران فراهم کرده‌اند. وقتی بازدهی اوراق در سطحی قرار می‌گیرد که از میانگین بازده مورد انتظار بورس پیشی می‌گیرد، طبیعی است که بخشی از نقدینگی از بازار سهام خارج شود. این موضوع به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران خرد اهمیت دارد؛ گروهی که تجربه زیان‌های گذشته و نااطمینانی‌های مکرر، ریسک‌گریزی آنها را تشدید کرده است. نتیجه این وضعیت، کاهش مداوم ارزش معاملات خرد و افت نقدشوندگی بازار سهام بوده است. آمارهای معاملاتی نشان می‌دهد خروج پول حقیقی از بورس به یک روند نسبتاً پایدار تبدیل شده است. این رفتار را نمی‌توان صرفاً به نوسانات کوتاه‌مدت یا هیجانات مقطعی نسبت داد. در واقع، پول حقیقی در حال ارسال یک پیام روشن است: بازار سهام در برابر نرخ بهره بالا، جذابیت خود را از دست داده است. در حال حاضر بسیاری از سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند که با مقایسه بازده بدون ریسک و ریسک‌های متعدد بورس از ریسک‌سیاست‌گذاری گرفته تا ریسک نقدشوندگی ترجیح می‌دهد سرمایه خود را در مسیر امن‌تری قرار دهد؛ حتی اگر این انتخاب به معنای چشم‌پوشی از بازده‌های بالقوه بالاتر باشد. یکی از اثرات مستقیم نرخ بهره بالا، سرکوب نسبت‌های ارزش‌گذاری در بازار سرمایه است. در شرایطی که نرخ سود بدون ریسک بالا است، نرخ تنزیل جریان‌های نقدی شرکت‌ها افزایش می‌یابد و در نتیجه، ارزش ذاتی سهام کاهش پیدا می‌کند. این موضوع باعث شده حتی شرکت‌های بنیادی و سودده نیز نتوانند رشد قیمتی متناسبی را تجربه کنند. در چنین فضایی، نسبت P/E بازار در سطوح پایین‌تری تثبیت می‌شود و هرگونه تلاش برای رشد قیمت سهام، با فشار عرضه مواجه می‌شود. این وضعیت، بازار را وارد یک چرخه رکودی می‌کند که خروج از آن بدون تغییر متغیرهای کلان، دشوار به نظر می‌رسد. نرخ بهره بالا تنها به سرمایه‌گذاران آسیب نمی‌زند، بلکه شرکت‌ها و بخش تولید نیز از پیامدهای آن متأثر می‌شوند. افزایش هزینه تأمین مالی، اجرای طرح‌های توسعه‌ای را با چالش مواجه کرده و بسیاری از شرکت‌ها را به تعویق یا لغو پروژه‌های سرمایه‌گذاری واداشته است. از سوی دیگر، بازار سرمایه که می‌توانست به عنوان کانال اصلی تأمین مالی تولید عمل کند، به‌دلیل رکود و کاهش جذابیت، نقش خود را از دست داده است. این موضوع در بلندمدت می‌تواند به کاهش رشد اقتصادی و تضعیف توان رقابتی بنگاه‌ها منجر شود.

کسری بودجه دولت و نقش بازار بدهی

از سوی دیگر نقش دولت را نمی‌توان در این شرایط نادیده گرفت. کسری بودجه سنگین، دولت را ناگزیر به انتشار گسترده اوراق بدهی کرده است. برای فروش این اوراق، نرخ‌های سود بالا ضروری است؛ نرخی که مستقیماً با منافع بازار سرمایه در تضاد قرار می‌گیرد. به این ترتیب، دولت از یک‌سو بر حمایت از بورس تأکید می‌کند و از سوی دیگر، با انتشار اوراق جذاب، نقدینگی را از بازار سهام خارج می‌سازد. این تناقض سیاستی، اعتماد فعالان بازار را تضعیف کرده و به سردرگمی سرمایه‌گذاران دامن زده است.

تناقض سیاست پولی

در سال‌های اخیر، بارها بر نقش بازار سرمایه در تحقق رشد اقتصادی و حمایت از تولید تأکید شده است. با این حال، سیاست پولی انقباضی و نرخ بهره بالا، عملاً این هدف را تضعیف کرده است. وقتی هزینه سرمایه بالا می‌رود و بازدهی بدون ریسک جذاب می‌شود، انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری مولد باقی نمی‌ماند. این تناقض، یکی از دلایل اصلی فاصله گرفتن بورس از کارکرد اصلی خود به عنوان آیینه اقتصاد و موتور تأمین مالی است. ریسک‌های سیاسی، تحریم‌ها و نااطمینانی نسبت به آینده روابط خارجی، اثر منفی سیاست پولی را تشدید کرده‌اند. در چنین شرایطی، حتی کاهش محدود نرخ بهره نیز ممکن است به سرعت به بازگشت اعتماد منجر نشود. سرمایه‌گذار در فضایی که چشم‌انداز اقتصادی و سیاسی مبهم است، به سیگنال‌های قوی و پایدار نیاز دارد؛ سیگنال‌هایی که تاکنون به‌طور جدی مخابره نشده‌اند.

بازار از دریچه معاملات

طی دومین روز کاری هفته یعنی یکشنبه شاخص کل بورس با کاهش ۸۵ هزار و ۱۴۲ واحدی معادل ۲،۳ درصد در سطح ۳ میلیون و ۶۱۸ هزار و ۴۸۰ واحد ایستاد و شاخص کل هم‌وزن نیز با افت ۱۷ هزار و ۶۴ واحدی معادل ۱،۷۸ درصد به ۹۴۱ هزار و ۶۹۵ واحد رسید. این روند منفی، بازتابی از برتری محسوس فروش بر تقاضا و فشار روانی در کلیت بازار بود. با وجود تلاش برخی سهام برای حفظ تعادل، قدرت خرید سرمایه‌گذاران حقیقی منفی ۱،۵۵ بود که نشان از غلبه فروش بر خرید در معاملات داشت. در حالی که حجم معاملات سهام و حق تقدم‌ها به ۲۸،۴ میلیارد سهم رسید، ارزش معاملات نیز بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان ثبت شد که این رقم نسبت به روزهای گذشته رشد مناسبی را نشان می‌دهد. سرانه خرید هر معامله‌گر ۳۹،۱ میلیون تومان و سرانه فروش ۶۰،۵ میلیون تومان بود که بیانگر تمایل بالای معامله‌گران به فروش و کاهش نقدینگی وارد شده به بازار است. مجموع خروج پول حقیقی از سهام و صندوق‌های سهامی ۲ هزار و ۷۴۲ میلیارد تومان بود و صندوق‌های درآمد ثابت نیز شاهد خروج ۶۰۹ میلیارد تومان سرمایه بودند. این آمار، کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به روند کوتاه‌مدت بازار را منعکس می‌کند و نشان می‌دهد سرمایه‌ها به سمت نقدینگی امن یا بازارهای جایگزین حرکت کرده‌اند. در جریان معاملات روز یکشنبه، از مجموع سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی، تنها ۱۸۰ نماد مثبت و ۶۳۸ نماد منفی بودند که برتری قابل توجه عرضه را در بازار نشان می‌دهد. ارزش سفارش‌های خرید در مجموع ۹۵۵ میلیارد تومان و ارزش سفارش‌های فروش ۱،۶۰۷ میلیارد تومان بود، که نسبت ۱ به ۱،۷ به نفع فروش را نشان می‌دهد. تعداد صف‌های خرید روز یکشنبه به ۵۲ مورد رسید، در حالی که تعداد صف‌های فروش به ۲۵۳ صف بالغ شد که تقریباً پنج برابر تعداد صف‌های خرید است. این روند فشار فروش در کلیت بازار و عدم تعادل میان عرضه و تقاضا را برجسته می‌کند و پیامدهای کوتاه‌مدت منفی برای شاخص کل و سرمایه‌گذاران حقیقی به همراه دارد. با توجه به فشار عرضه، خروج پول حقیقی و کاهش سرانه خرید، بازار سهام در روزهای آینده نیازمند سیگنال‌های مثبت بنیادی یا خبری برای بازگشت تعادل خواهد بود. نوسانات اخیر نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران بیشتر به سمت نقدینگی و بازارهای موازی متمایل شده‌اند. البته اتفاق خوبی که رخ داد این بود که بسیاری از صف‌های فروش بازار جمع شدند و ارزش معاملات هم به‌طور چشمگیری افزایش یافت. این موضوع منجر به روان شدن معاملات بورس شد که رویداد خوبی محسوب می‌شود. همین موضوع می‌تواند در روزهای آینده یکی از عوامل به تعادل رسیدن بورس باشد.

بورس؛ قربانی انتظارات منفی

بررسی تازه‌ترین آمارها و داده‌های رسمی از وضعیت بازار سرمایه نشان می‌دهد بورس تهران در هفته‌ها و ماه‌های اخیر یکی از سنگین‌ترین دوره‌های افت خود را تجربه کرده است؛ افتی که از منظر میزان کاهش ارزش ریالی بازار حتی از ریزش سنگین پس از جنگ ۱۲ روزه نیز فراتر رفته و زنگ هشدار تازه‌ای را برای فعالان اقتصادی و سیاست‌گذاران به صدا درآورده است. بر اساس داده‌های موجود، ارزش بازار سرمایه از سقف ثبت‌شده در ۲۹ دی‌ماه تاکنون بیش از ۲۷۰۰ هزار میلیارد تومان (همت) کاهش یافته است؛ رقمی معادل افت ۱۸ درصدی ارزش کل بازار. این در حالی است که پس از جنگ ۱۲ روزه، ارزش بازار حدود ۲۱۴۰ همت افت را تجربه کرده بود که معادل اصلاح ۲۰ درصدی به شمار می‌رفت. این مقایسه نشان می‌دهد اگرچه افت درصدی اخیر اندکی کمتر از ریزش پس از جنگ ۱۲ روزه است، اما از منظر ریالی، حجم خروج ارزش از بازار در مقطع فعلی سنگین‌تر بوده است؛ موضوعی که به گفته کارشناسان، هم از بزرگ‌تر شدن اندازه اسمی بازار و هم از عمق فشار فروش و تداوم بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران حکایت دارد.

نقش نااطمینانی و جنگ روانی

تحلیلگران بازار سرمایه بر این باورند که آنچه ریزش اخیر بورس را از بسیاری از سقوط‌های گذشته متمایز می‌کند، ماهیت غیرعینی شوک وارد شده به بازار است. در حالی که جنگ ۱۲ روزه یک رویداد مشخص و عینی با پیامدهای روشن بود، افت اخیر بیشتر تحت تأثیر نااطمینانی‌های سیاسی، ابهام در سیاست‌گذاری اقتصادی و تشدید انتظارات منفی شکل گرفته است. به اعتقاد کارشناسان، بازار سرمایه در شرایطی قرار گرفته که جنگ روانی و بی‌ثباتی انتظارات حتی اثرگذاری بیشتری نسبت به شوک‌های واقعی و فیزیکی پیدا کرده است. سرمایه‌گذاران، به‌ویژه سهامداران حقیقی، در فضایی مبهم و غیرقابل پیش‌بینی، ترجیح داده‌اند از بازار خارج شوند یا در موضع انتظار قرار گیرند؛ رفتاری که به تشدید فشار فروش و تضعیف تقاضا انجامیده است.

مقایسه با ریزش تاریخی سال ۱۳۹۹

مرور روندهای تاریخی بورس نشان می‌دهد اگرچه افت اخیر بسیار سنگین است، اما بزرگ‌ترین سقوط ریالی و درصدی بازار سرمایه همچنان به سال ۱۳۹۹ بازمی‌گردد. در آن مقطع، ارزش بازار با کاهش ۳۶۱۱ همت و افت ۳۹ درصدی مواجه شد؛ ریزشی که به عنوان سنگین‌ترین سقوط تاریخ بورس ایران ثبت شده است. با این حال، تفاوت مهم شرایط فعلی با سال ۱۳۹۹ در این است که آن ریزش پس از یک دوره رشد هیجانی و حبابی رخ داد، در حالی که افت اخیر در شرایطی اتفاق افتاده که بازار پیش‌تر نیز با رکود، کاهش نقدشوندگی و افت اعتماد عمومی دست‌وپنجه نرم می‌کرد. به بیان دیگر، بورس امروز نه از قله‌های هیجانی، بلکه از سطوح فرسوده و کم‌جان در حال عقب‌نشینی است. یکی دیگر از شاخص‌های نگران‌کننده، وضعیت ارزش دلاری بازار سرمایه است. بررسی نمودارها نشان می‌دهد ارزش دلاری بورس تهران که در اوج سال ۱۳۹۹ به بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار رسیده بود، اکنون به محدوده‌ای نزدیک به ۸۰ میلیارد دلار سقوط کرده و در حوالی کف‌های تاریخی خود نوسان می‌کند. این ارقام بیانگر آن است که بازار سرمایه ایران نه‌تنها از منظر ریالی، بلکه از حیث قدرت و جایگاه دلاری نیز در یکی از ضعیف‌ترین مقاطع خود طی سال‌های اخیر قرار دارد. به گفته تحلیلگران، افت ارزش دلاری بورس نشان‌دهنده کاهش جذابیت بازار برای سرمایه‌گذاران، تضعیف قدرت تأمین مالی بنگاه‌ها و عقب‌ماندگی بازار سهام نسبت به سایر بازارهای دارایی است.

خروج نقدینگی و برتری بازارهای رقیب

هم‌زمان با افت شاخص‌ها، خروج نقدینگی حقیقی از بازار سرمایه شدت گرفته است. در ماه‌های اخیر، بخش قابل توجهی از سرمایه‌ها به سمت بازارهایی با ریسک کمتر یا بازده کوتاه‌مدت بالاتر حرکت کرده‌اند. بازار طلا، سکه و ارز، در مقاطعی عملکردی به‌مراتب بهتر از بورس داشته‌اند و همین موضوع، جذابیت بازار سهام را بیش از پیش کاهش داده است. کارشناسان معتقدند نرخ‌های بالای سود بدون ریسک در شبکه بانکی و اوراق بدهی نیز نقش مهمی در تضعیف بورس ایفا کرده است. زمانی که سرمایه‌گذار می‌تواند بدون پذیرش ریسک، بازدهی قابل قبول دریافت کند، تمایل کمتری برای حضور در بازاری پرنوسان و متأثر از اخبار سیاسی خواهد داشت. یکی از ویژگی‌های بارز بورس در ماه‌های اخیر، وابستگی شدید به اخبار و تحولات سیاسی بوده است. نوسان شاخص‌ها در بسیاری از روزها نه بر اساس متغیرهای بنیادی شرکت‌ها، بلکه در واکنش به اخبار مربوط به روابط خارجی، تنش‌های منطقه‌ای و سیگنال‌های سیاسی شکل گرفته است. این وضعیت باعث شده رفتار سرمایه‌گذاران بیش از آنکه تحلیلی و بلندمدت باشد، کوتاه‌مدت و هیجانی شود. به گفته فعالان بازار، بورس عملاً به بازاری تبدیل شده که «با خبر بالا می‌رود و با شایعه فرو می‌ریزد»؛ وضعیتی که ثبات و پیش‌بینی‌پذیری را از بازار سلب کرده است.

ثبات؛ حلقه گمشده بازار سرمایه

تحلیلگران معتقدند ادامه این روند می‌تواند به فرسایش بیشتر اعتماد عمومی و تضعیف نقش بازار سرمایه در تأمین مالی اقتصاد منجر شود. از نگاه کارشناسان، توقف روند نزولی بورس و بازگشت آن به مسیر تعادل، نیازمند تحقق چند پیش‌شرط اساسی است. در وهله نخست، کاهش نااطمینانی‌های سیاسی و شفاف‌شدن افق روابط خارجی، نقش کلیدی در بهبود انتظارات سرمایه‌گذاران دارد. در کنار آن، ثبات در سیاست‌های اقتصادی، مدیریت نرخ سود و حمایت هدفمند از بازار سرمایه می‌تواند به تدریج اعتماد از دست‌رفته را احیا کند. به باور کارشناسان، تا زمانی که فضای انتظارات منفی بر بازار حاکم باشد، حتی ارزندگی برخی سهام نیز لزوماً به ورود نقدینگی منجر نخواهد شد.

رویداد

۲ تدبیر برای حمایت از بازار سهام

حمید یاری، عضو هیات‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار جزییات برنامه‌های نهاد ناظر بازار سرمایه برای حمایت از بازار سهام را تشریح کرد و گفت: تداوم و تقویت نقش صندوق‌های توسعه و تثبیت بازار، به‌عنوان خط اول حمایت و به کارگیری ابزارهای مکمل برای افزایش اثربخشی حمایت‌ها از جمله برنامه‌های سازمان بورس است. به گفته عضو هیات‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، «تداوم حمایت هدفمند صندوق‌های توسعه و تثبیت، به کارگیری ابزارهای مکمل مثل اوراق تبعی برای تقویت حضور صندوق‌های حمایتی، نشست‌ها و هماهنگی با ناشران بزرگ و سهامداران عمده برای ارتقای شفافیت و کاهش رفتارهای هیجانی، بازبینی ضوابط اعتباری کارگزاری‌ها با هدف تقویت تقاضا در بازار و افزایش شفافیت و اطلاع‌رسانی برای مدیریت انتظارات بازار از جمله اقدامات حمایتی سازمان بورس هستند، که البته همه این اقدامات با رویکرد حفظ اصول بازار و کشف قیمت طراحی و اجرا خواهد شد.» در هفته‌های اخیر شاهد نوساناتی در بازار بوده‌ایم. وضعیت کلی بازار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ مهم‌ترین عوامل اثرگذار در کوتاه‌مدت چه بوده‌اند؟ در یک نگاه کلی، بازار در کوتاه‌مدت رفتار محتاطانه‌ای از خود نشان داده که تا حد زیادی ناشی از تحولات بین‌المللی است. این احتیاط قابل فهم و تا حدی منطقی است؛ چون بازیگران بازار در برابر ریسک‌های بیرونی محافظه‌کارانه عمل می‌کنند. با این حال، اگر به شاخص‌های بنیادی توجه کنیم -به‌ویژه گزارش‌های ۹ ماهه شرکت‌ها- شواهدی از بهبود عملکرد عملیاتی و سودسازی در بسیاری از شرکت‌ها دیده می‌شود. بنابراین چشم‌انداز میان‌مدت و بلندمدت، بر پایه پارامترهای بنیادی، مثبت اما مشروط به پایداری متغیرهای کلان ارزیابی می‌شود. سازمان بورس چه برنامه‌هایی برای حمایت از بازار تدوین کرده است؟ چگونه قصد دارید این حمایت را به‌صورت هدفمند انجام دهید؟ مجموعه‌ای از تدابیر طراحی شده که ۲ محور اصلی دارد: اول، تداوم و تقویت نقش صندوق‌های توسعه و تثبیت بازار به عنوان خط اول حمایت؛ دوم، به کارگیری ابزارهای مکمل برای افزایش اثربخشی حمایت‌ها. در محور اول، این صندوق‌ها ادامه خریدهای هدفمند را در برنامه دارند تا نقدشوندگی و تعادل عرضه-تقاضا را حفظ کنند. در محور دوم، ابزارهایی مانند انتشار اوراق تبعی و سایر اوراق تضمینی در دستور کار است تا حضور این صندوق‌ها هم از منظر نقدینگی و هم از منظر پوشش ریسک تقویت شود، به گونه‌ای که تأثیر آن بر فرآیند کشف قیمت کنترل‌شده و محدود باشد. آیا برنامه‌ای برای تعامل مستقیم با ناشران و سهامداران عمده وجود دارد؟ بله؛ برگزاری جلسات هماهنگی و حمایتی با ناشران بزرگ و سهامداران عمده یکی از ابزارهای مهم ماست. هدف این جلسات دوگانه است: نخست، افزایش شفافیت و هماهنگی در اطلاع‌رسانی شرکت‌ها تا انتظارات بازار معقول شود؛ دوم، تشویق سهامداران عمده به اتخاذ رفتارهایی که از فروش هیجانی جلوگیری کند و به ثبات بازار کمک کند. این جلسات با رویکرد فنی برگزار می‌شود -بررسی برنامه تولید و فروش شرکت‌ها، برآوردهای کوتاه‌مدت نسبت به جریان نقدی و طرح‌های مدیریت سهام توسط سهامداران عمده- تا تصمیمات بازار کمتر در حوزه شایعات و بیشتر مبتنی بر اطلاعات واقعی باشد. اخیراً گفته شده که کمیته پایش ریسک در حال بررسی «تعدیل ضرایب اعتباری کارگزاری‌ها» است. مقصود دقیق از این تعدیل چیست و آیا هدف ایجاد نقدینگی جدید و تقویت تقاضا در بازار است؟ بله، منظور از این بازبینی دقیقاً تسهیل در ظرفیت اعتباری کارگزاری‌ها به گونه‌ای کنترل شده است تا آنها بتوانند به مشتریان واجد شرایط، اعتبار بیشتری اعطا کنند و از این طریق، بخشی از نقدینگی لازم برای تقویت تقاضا در بازار فراهم شود. باید تأکید کنم که هدف صرفاً تزریق نقدینگی بدون نظارت نیست؛ بلکه دنبال یک راهکار هدف‌مند و مشروط هستیم که هم از امکان تقویت سمت تقاضا حمایت کند و هم از انباشت ریسک‌های اعتباری سیستماتیک جلوگیری کند. نگرانی‌هایی وجود دارد که مداخلات حمایتی ممکن است روند طبیعی بازار و کشف قیمت را مخدوش کند. این نگرانی‌ها چقدر موجه است؟ این نگرانی را کاملاً وارد می‌دانم و خودمان نیز در طراحی سیاست‌ها بسیار مراقب هستیم. هر تمهیدی که اتخاذ می‌کنیم با هدف حفظ مکانیزم‌های بازار -مانند کشف قیمت و شفافیت اطلاعات- است. سازوکارها طوری طراحی می‌شوند که حمایت‌ها موقتی، هدفمند و شفاف باشند؛ به عبارت دیگر، مداخله‌ای که به «تحریف بازار» منجر شود را نمی‌پذیریم. توضیح عملیاتی این رویکرد شامل شفاف‌سازی در اعلام سیاست‌ها، محدودسازی بازه زمانی اقدامات حمایتی و گزارش‌دهی منظم از عملکرد ابزارها به ذی‌نفعان است. چطور با مسائل روانی بازار و انتظارات سرمایه‌گذاران برخورد می‌کنید؟ بخش مهمی از کار ناظر، مدیریت انتظارات است. اطلاع‌رسانی شفاف و به‌موقع، انتشار داده‌های قابل اتکا و تعامل مستمر با فعالان بازار از جمله راهکارهای ماست. همچنین با توسعه دستورالعمل‌های شفاف در خصوص اقداماتی که ناظر و نهادهای حمایتی می‌توانند انجام دهند، تلاش می‌کنیم از شکل‌گیری شایعات و رفتارهای گروهی جلوگیری کنیم. در کنار این‌ها، جلسات آموزشی و نشست‌های تحلیلی با فعالان بازار برای تشریح مبانی تصمیم‌سازی و کاهش عدم‌قطعیت برنامه‌ریزی شده است. توصیه به سرمایه‌گذاران خرد چیست؟ به سرمایه‌گذاران خرد توصیه می‌کنم بر مبنای اصول بنیادی و افق زمانی منطقی تصمیم‌گیری کنند. بازار در کوتاه‌مدت می‌تواند نوسان داشته باشد اما اگر تصمیمات سرمایه‌گذاری بر پایه تحلیل بنیادی و تنوع‌بخشی گرفته شود، شانس مواجهه با زیان‌های ناخواسته کاهش می‌یابد. سازمان بورس نیز در تلاش است تا با ابزارهای معین و شفاف، شرایطی فراهم کند که بازار به مسیر طبیعی خود بازگردد.

نوبت اول
شناسه آگهی: ۲۱۳۱۶۸۵

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان دورود -سری (۵۰۸) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی دورود مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هر کس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴،۱۲،۴
نوبت دوم: ۱۴۰۴،۱۲،۱۹

۱- تقاضای «محمد امینی کیا» فرزند «الماس» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دیم زار» بمساحت «۱۰۰۲۹،۳۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱۲۳» فرعی از «۹۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عظیم ساکی فرزند ولی»

۲- تقاضای «ناصر رضائی» فرزند «رضا» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۵۴۰،۵۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۲۸» فرعی از «۱۰۴» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سهم الارث آیت اله بوالحسنی از مالکیت ولی بوالحسنی فرزند محمد تقی»

۳- تقاضای «سعید خادمی» فرزند «درویشعلی» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۶۱۶۳،۹۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۵۹» فرعی از «۴» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سهم الارث درویشعلی خادمی از مالکیت پاپی خادمی»

۴- تقاضای «احمد بختیلری» فرزند «غلامحسین» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دیم‌زار» بمساحت «۷۴۲۶،۳۹ و ۷۳۸۶،۶۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۰۶ و ۷۰۷» فرعی از «۱۲۸» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سهم الارث متقاضی از پدرش سند ۶۴۷۷۰»

۵- تقاضای «احمد بختیاری» فرزند «غلامحسین» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۹۰۵۷،۰۷ و ۴۳۳۷،۴۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۷۰۸ و ۷۰۹» فرعی از «۱۲۸» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سهم الارث متقاضی از پدرش سند ۶۴۷۷۰»

۶- تقاضای «نظامعلی رکرک» فرزند «حسن» نسبت به «به ترتیب سه و ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۴۸۸۴۱،۳ و ۵۰۵۱۳،۲۸ و ۳۶۸۲۱،۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۷۷ و ۲۷۹ و ۲۸۰» فرعی از «۷۷» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مالکیت متقاضی از سند ۵۷۹،۷ مورخ ۱۳۹۵،۸،۲۶»

۷- تقاضای «محمد جان جان» فرزند «احمد علی» نسبت به «ششدانگ یک باب مغازه» بمساحت «۲۳،۷۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۵۵۱» فرعی از «۹۴» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «کتایون اسعد بختیاری»

۸- تقاضای «حسین رحمتی» فرزند «حیدر» نسبت به «ششدانگ یک باب ساختمان» بمساحت «۱۰۰،۱۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۷۱۲» فرعی از «۱۱۷» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سهم الارث حمزه پاپی از مالکیت عبدالمحمد پاپی»

۹- تقاضای «عباس یاراحمدی» فرزند «غلامحسین» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۷۳۲۵،۳۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۳۲» فرعی از «۵۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «علیرضا ساکی فرزند غلامعلی سند ۲۱۹۳۴ مورخ ۱۳۴۴،۶،۲۷ دفتر ۹ بروجرد»

۱۰- تقاضای «محمد حسین رحیمی» فرزند «غلامرضا» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی» بمساحت «۱۳۰۷۹،۳۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۲۰» فرعی از «۵۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سهم الارث متقاضی از پدرش»

رضا افروغ
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دورود